



در حاشیه گرانی بنزین

بنزین از صبح شنبه
۵ هزار تومان شد...
همین که توی کارته کافیه
همین مقدار بسه تونه...



نگاه تحلیگر

مردم هوایی دیگر
می خواهند

محمدصادق چنان صفت

روزنامه نگار و تحلیلگر اقتصاد

بیشتر شهروندان ایرانی در آستانه زمستان ۱۴۰۴ در دریایی از تنگناهای کسب و کار و خرج روزانه خود دست و پا زنان و ناامید در حال فرو رفتن به ژرفا هستند. گروه بسیار اقلیت ایرانیان که با رانت و فساد و یا با استفاده شهروندان اندکی که توانسته اند با رعایت همه آداب کسب و کار در عرف و در قانون سرمایه ای اندوخته و با سرمایه پاک خود فعالیت می کنند نیز سردرگریان و سرسام گرفته به کشور نگاه می کنند و سر در نمی آورند که سرنوشت شان چه خواهد شد. تنها و تنها یک اقلیت چسبیده به قدرت سیاسی که از راه فساد و رانت جیب های خود و خانواده را با برداشت از جیب ایرانیان پر کرده اند، شاید خرگند و راضی باشند.

حالا دیگر نمی توان آنچه در بالا آمد را با سفید نمایی های کلیشه ای و ماله کشیدن پنهان کرد. این روزها مقام های ارشدی که اداره کشور در اختیارشان است نیز به انبوه تنگناها تاکید دارند و به شکل های گوناگون در این باره سخن می گویند. چیزی که پس از اعتراف مقام های رسمی باید به آن پرداخت، این است که چه باید کرد تا ایران و ایرانیان در دریای ساخته شده به دست ناکارآمدی غرق نشوند؟ برخی نهادها که سهم بیشتری از قدرت را در دست دارند، می گویند کشور توانایی عبور از این روزگار تیره را دارد. این بخش اصلی از قدرت سیاسی باور دارد یا این گونه نشان می دهد که اگر انبوهی گره های کور بر دست و پای اقتصاد بسته شده، به دلیل ناکارآمدی نهاد دولت است. آیا این دوری کلی را می توان حقیقت دانست؟

بررسی از سر اشاره نشان می دهد اولاً پس از جنگ، شش دولت با شعارهای گوناگون و آرزوهایی بلند کشور را از نظر اجرایی اداره کرده اند. مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی با کوهی از تجربه اداره کشور در دهه ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ به مدت هشت سال تا ۱۳۷۶ نفر دوم کشور بود، آیا وی توانست به آرزوهایش برسد؟ نتایج و دستاوردهای این سال ها نشان می دهد خیر. چرا؟ چون نهاد دولت حتی در دوره ریاست جمهوری وی به مرور ذیل نهادهای دیگر قرار گرفت و دولت دوم وی در اداره اقتصادی کشور ناگزیر به برگشت شد. دولت های اصلاحات به ریاست سید محمد خاتمی نیز با وجود آرای چشمگیر شهروندان در چرخ و چمپوهای پدیدار شده بر سر راهش گیر افتاد و در اقتصاد کشور کاری که بایسته عبور دادن ایران از مدار توسعه یافتگی باشد، رخ نداد. شاید تدوین برنامه سوم توسعه بهترین دستاورد دولت های اصلاحات بود که آن هم در اجرا با سدها و دیوارهای پیاپی پنهان روبه رو شد. دولت های بعدی به ریاست محمود احمدی نژاد، حسن روحانی، و مرحوم ابراهیم رئیسی و نیز مسعود پزشکیان نیز نتوانستند اقتصاد ایران را در مسیر پیشرفت واقعی قرار دهند. بنابراین، نظریه «دولت های ضعیف» ایران عامل بدبختی مردم بوده اند را می توان ابطال کرد.

چه باید کرد؟ تغییر ذهنیت نهادهای قدرت درباره پدید آمدن بحران اقتصادی مهمترین اتفاقی است که باید بیفتد و البته، نیک می دانیم برای اینکه چنین رخدادی واقعیت پیدا کند، باید نیرویی بسیار بزرگ فراهم شود تا تغییر ذهنیت اتفاق بیفتد. دلیل اینکه چنین اتفاقی نیفتاده، این است که توزیع قدرت در جمهوری اسلامی به بدترین حالت رخ داده و خواستاران دگرگونی، از قدرت رسمی سهم اندکی دارند. با این میزان قدرت، شاید کاری نشود کرد؛ اما باید کوشید تا راه باز شود. نمی توان و دور از جوانمردی است که برای رهایی شهروندان ایرانی از تور و تله مشکلات فرزانده کاری نکرد.

نگاهی از نزدیک به زیر پوست کشور و شنیدن سخنان شهروندان نشان می دهد آنها برای اینکه آسایش مادی و آرامش ذهنی داشته باشند، نیازمند هوای دیگری در سبزه مسائل ایران هستند؛ هوایی تازه که کابوس و شیخ ناکارآمدی را از آسمان کشور دور کند.



عکس: آرش خاموشی هم چینیان

در نوروز ۱۴۰۴، با ادغام معاونت های تحت مدیریت این دفتر، محسن اسماعیلی را در ۲۶ فروردین امسال به عنوان معاون راهبردی و امور مجلس رئیس جمهور منصوب کرد. طریف هم به دانشگاه تهران برگشت.



علی طیفینیا، مشاور پزشکیان هم دیگر فردی بود که در جریان مبارزات انتخاباتی ۱۴۰۳ نقش پررنگی ایفا کرد. حکم انتصاب طیفینیا به عنوان مشاور عالی رئیس جمهور، روز ۱۴ مرداد از سوی پزشکیان صادر شد که آن را به یکی از

اولین احکام صادره رئیس دولت چهاردهم تبدیل می کند. اما چند ماهی بیشتر نگذشته بود که زمزمه هایی مبنی بر کنار گذاشتن طیفینیا یا کناره گیری شخص او در فضای رسانه و شبکه های اجتماعی به گوش رسید. در نهایت اسفند ۱۴۰۳ بود که قائم پناه در حاشیه حیاط دولت، از کناره گیری او و طریف خبر داد. تا امروز هم خبر این استعفا به صورت رسمی منتشر نشده و طیفینیا هم توضیحی در این باره نداده است. طیفینیا هم مانند طریف و جوادی یگانه به دانشگاه تهران برگشت. زمانی که طیفینیا هم از دولت رفت، رسانه ها به این موضوع توجه نشان دادند که دیگر خبری از طیفینیا، طریف و آذری جهرمی به عنوان سه چهره شاخص حلقه اطراف پزشکیان در جریان انتخابات نیست.



عبدالنصر همتی، وزیر پیشین اقتصاد تا کنون تنها وزیر پزشکیان بوده که با استیضاح مجلس از پاستور بیرون فرستاده شد. او با توجه به اینکه یکی از مدیران اصلی دولت حسن روحانی و رئیس کل بانک مرکزی در دولت دوم او بود، زیر تیغ تندروهای مجلس قرار داشت. در نهایت هم شش ماه بیشتر نتوانست در جایگاه وزیر اقتصاد بماند و ۱۲ اسفند توسط مجلس برکنار شد. در موضوع همتی، بیش از آنکه منتقدان به پزشکیان و تلاش برای حفظ وزیر اقتصادش بپردازند، به این موضوع توجه نشان می دهند که همتی در مجلس و زمانی که برای دفاع از خود داشت، خوب ظاهر نشد و مسیر را برای برکناری اش هموار کرد.



فیاض زاهد، عضو مستعفی شورای اطلاع رسانی دولت تا ۲۳ آبان عضو این نهاد بود. او در جریان فضای دوگانه ای که میان انتصاب اسماعیل سقاب اصفهانی به عنوان معاون رئیس جمهور از یک سو و خودکشی فؤاد شمس، فعال سیاسی و رسانه ای حامی پزشکیان به دلیل مسائل شغلی به وجود آمده بود، از دولت پزشکیان بیرون رفت. موضوعی که باعث ایجاد جنجال هایی در میان مدیران و مشاوران نهاد ریاست جمهوری با زاهد در فضای شبکه های اجتماعی شد. در آبان ماه، موضوع انتصاب سقاب اصفهانی به عنوان رئیس یک سازمان تخصصی حوزه انرژی و بدون سوابق مرتبط با این حوزه، به خصوص با توجه به سوابق سیاسی او بسیار مورد توجه قرار گرفت.



محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگرا هم یکی از اعضای شورای اطلاع رسانی دولت پزشکیان بود که گفته می شود از این نهاد استعفا داده است. هر چند موضوع کناره گیری مهاجری از شورای اطلاع رسانی همزمان با زاهد و بحث های بعد از استعفا او مطرح شد، اما هنوز هم کناره گیری او به صورت رسمی در رسانه ها اعلام نشده است. مهاجری هم تا کنون مستقیماً اشاره ای به این موضوع نکرده است. رسانه هایی که به خروج او از دولت اشاره کردند، بر این موضوع تاکید دارند که شنیده ها حاکی از اعلام استعفا مهاجری است؛ شنیده هایی که می گوید او به خاطر «اعتراض به رویه های حاکم بر دولت پزشکیان و اصرار بر انتصاب چهره های تندرو و منتسب به اصولگرایان» از دولت کناره رفته است. او بعد از بالا گرفتن مسائل مربوط به این شورا، یادداشتی تند در نقد ساختار اطلاع رسانی و رسانه ای دولت نوشته بود که در آن هم اشاره ای مستقیم به استعفاش نشد.

ودام، کمیته نظارت بر سموم شیمیایی و کمیته تبصره ماده ۵ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب ذیل شورای عالی سلامت و امنیت غذایی مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی ساماندهی می شوند.

شورای ترانزیت، شورای عالی فنی زیربنایی و امور حمل و نقل (مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۷۵ هیئت وزیران) و شورای ساماندهی مبادی ورودی و خروجی مجاز زمینی کشور ذیل شورای عالی هماهنگی حمل و نقل مصوب ۱۵ بهمن ۱۳۹۱ هیئت وزیران قرار می گیرند.

شورای عالی اکتشاف، کارگروه حفاری، کمیته صیانت و افزایش ضریب بازایافت نفت و گاز، کمیته نظارت بر میدانی نفت و گاز مشترک و کمیسیون قراردادهای نفتی در شورای مهندسی نفت اتمام می شوند.

کارگروه ملی سازگاری با کم آبی ذیل شورای عالی آب مصوب ۶ دی ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ساماندهی می شود.

ستاد پیل سوختی ذیل شورای عالی انرژی ساماندهی می شود.

ستاد ملی سرشماری نفوس و مسکن ثبتی مبنای ذیل شورای عالی آمار مصوب ۱۰ بهمن ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی ساماندهی می شود.

کمیسیون تعیین مبانی استراتژی توسعه کشور در طرح آمایش سرزمین ذیل شورای عالی آمایش مصوب ۲۸ آبان ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی ساماندهی می شود.

ستاد ملی مدیریت گردوغبار، کارگروه غبارشناسی، کارگروه تغییر آب و هوا، کارگروه ملی مدیریت پسماند، کارگروه ملی کاهش آلودگی هوای کلانشهرها و کارگروه مخاطرات زیست محیطی ذیل شورای عالی حفاظت محیط زیست مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی ساماندهی می شوند.

شورای توسعه فرهنگ قرآنی ذیل شورای عالی قرآن تشکیل شده با فرمان ۳۰ مهر ماه ۱۳۷۰ رهبر معظم انقلاب ساماندهی می شود.

عنوان کارگروه زیارت به شورای ملی زیارت تغییر می کند.

همچنین با استناد به تصویب نامه، شورای تدوین کتب دینی مدارس، شورای سیاست گذاری بهداشت و درمان، کارگروه ملی زعفران، شورای هنرهای نمایشی، شورای عالی مرزها، کارگروه تأمین نیروی انسانی متخصص برای دستگاه های اجرایی و شورای گنجینه ملی آب ایران نیز منحل می شوند.

مطابق ماده ۹ تصویب نامه، محل استقرار دبیرخانه شورای عالی نوجوانان و جوانان در وزارت ورزش و جوانان و شورای عالی حمل و نقل در وزارت راه و شهرسازی تعیین شد.

عکس نوشت

روایت دو پهلو

درباره عکس جلد مجله تایم

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه نگار

این دومین باری است که در این ستون درباره عکس مشهور «ناهار بر فراز آسمان خراش» حرف می زنیم. این بار اما دلیلیش، انتخاب شخصیت سال ۲۰۲۵ «تایم» با عنوان «The Architects of AI» است. قبل از هر چیز باید اعتراف کنیم که تصویر ساخته شده فارغ از شکل کاراکترها نمونه استفاده ی

هوشمندانه از حافظه ی بصری جمعی برای تفسیر یک امر در زمانه اکنون است. عکس اصلی را «چارلز کلاید ایتس» در جریان ساخت «راکفلر سنتر نیویورک» ثبت کرده است؛ تصویری که در حقیقت یک عکس تبلیغاتی در حاشیه ساخت یک پروژه ساختمانی در دوران رکود اقتصادی آمریکا بود. عکس اصلی، کارگران ساختمانی را نشان می داد که بی هیچ ابزار ایمنی، روی تیرآهنی معلق در ارتفاع زیادی نشسته اند؛ تصویری که به نمادی از جسارت، کار جمعی و ساختن آینده در دل خطر تبدیل شد. حالا اما تایم در سال ۲۰۲۵ دقیقاً همان دستور زبان بصری را دوباره اجرا کرده است. تیرآهن، شهر مه آلود، تعلیق، و آرامشی که هر لحظه ممکن است به خطر بیفتد. تنها چیزی که در تصویر تغییر کرده باز یگران روی تیر آهن اند. کارگران این بار جایشان را به معماران هوش مصنوعی داده اند؛ کسانی که نه فولاد و بتن، بلکه قرار است با الگوریتم، کد، پرامپت و... آینده بسازند. کاری که تایم با این جلد کرده نه تنها ادای احترام به یکی از نمادین ترین تصاویر قرن بیستم، بلکه تلاش برای نشان دادن جایگاه هوش مصنوعی در ادامه پروژه مدرنیزاسیون است. نکته اینکه از نظر مفهومی، این بازآفرینی صرفاً نوستالژیک نیست. حرف مجله تایم انگار این است که همانطور که با ورود آسمان خراش ها به دنیا، شهر، کار و قدرت شکل جدیدی پیدا کرد، هوش مصنوعی نیز در حال بازتعریف مناسبات عالم است. از طرف دیگر وقتی به عکس نگاه می کنیم انگار که در پس و پشت تصویر خطر در کمین نشسته است. در حقیقت عکس نشان از لحظه خوش ماجرا دارد؛ لحظه ای که ثانیه بعدش ممکن است با یک لغزش کوچک جهانی زیر و زبر شود. شاید کاری که دست اندرکاران «تایم» با هوشمندی انجام داده اند، نشان دادن همین خطر در پشت ماجرای هوش مصنوعی است. تصویر جلد مجله تایم در سال ۲۰۲۵ روایتی دوپهلوی از یک امر در حال وقوع است که از یک سو هوش مصنوعی را ادامه ی طبیعی پیشرفت انسانی نشان می دهد و از سوی دیگر، با یادآوری خطری نهفته در تصویر تاریخی، هشدار می دهد که پروژه ای در این ابعاد ممکن است کار دست بنی آدم بدهد.

